

سال شمار زندگی

مجید قیصری

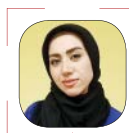


گفت‌وگو با مجید قیصری، داستان‌نویس نام‌آشنا

## محرم تکرار می‌شود اما تکراری نیست

من یک مجموعه داستان داشتم به نام «صلح»، رفتم دفتر ادبیات مقاومت سوره مهر. توی حیط حوزه هنری چند کانکس بود. آن وسط هم یک کانکس کوچک. گفتند: برو پیش آقای سرهنگی. داشتم ایشان را یک سرهنگ سبیل کلفت تصور می‌کردم با چندتا قبه روی دوش. وقتی وارد کانکس ایشان شدم؛ مرد جوانی را دیدم با موهای فلفل نمکی و چهره‌ای مهربان. داستان‌ها را دادم، ایشان گفتند: من دارم می‌روم سفر. شماره تلفن بگذار، برمی‌گردم خبر می‌دهم. آن موقع تلفن همراه نبود و شماره خانه را دادم. رفتم میدان فردوسی سوار اتوبوس شدم، تارسیدم به خانه که کمتر از یک ساعت طول کشید، تلفن خانه‌مان زنگ خورد و آقای سرهنگی بود، گفت: چقدر اینها خوب بود؛ تا حالا کجا بودی تو مجید؟! خیلی خوشش آمده بود و به راحتی این مجموعه چاپ شد. بعد از آن تا امروز دنبال ناشر ندیده‌ام.

مثل همه یکشنبه‌ها قرار است استاد قیصری را ملاقات کرده‌وپای درس‌شان بنشینم. این هفته خوشحال‌تر بودم که چند ساعت بیشتر در خدمت‌شان هستم. یادم است سال‌ها قبل وقتی مجموعه «سه دختر گلفروش» را خواندم چنان از درد می‌پیچیدم که با خود قرار گذاشتم اگر ایشان را جایی دیدم، بگویم: بد جور نفس‌مارا گرفتید آقای نویسنده. وقتی شاگرد آقای قیصری شدم، با توجه به اخلاق حسنه ایشان، جرأت گفتن این حرف را پیدا کردم. جواب دادند: پس بین نویسنده چه دردی کشیده! بله، آقای نویسنده درد را عمیق تجربه کرده و به همین علت داستان‌های‌شان به شدت واقعی است.



سمیه جمالی

شاعره و نویسنده

۳۱ مرگ و جنگ در داستان‌های شما به شدت حقیقی است؛ این به کدام تجربه زیسته شما برمی‌گردد؟

در زمان انقلاب من حدوداً ۱۲ ساله بودم و ساکن نارمک. حوادث انقلاب را از نزدیک می‌دیدم. لاستیک آتش زدن، تیرخوردن، قدرت‌نمایی تانک‌ها... اینها برایم ملموس بود و فرق می‌کرد با کسی که مثلاً ساکن تجریش بود. ما وسط معرکه بودیم و همه چیز را از همان نوجوانی می‌دیدیم. امروز ما تلاش می‌کنیم نوجوان‌ها را با چه آشنا کنیم؟ تحصیل، ورزش، عشق و... آخرین گزینه حتی مرگ و ترس نیست. اما نسل ما زود با اینها آشنا شد مثلاً هنگام اعزام برادرم به کردستان صحبت از سربردن جوانان در آن خطه بود و دلهره در خانواده ما به شدت جریان داشت.

۳۲ در همان نوجوانی هم با ادبیات آشنا شدید؟

نه. سال ۶۳ رفتم سربازی و داوطلبانه به کردستان اعزام شدم. سال ۶۴ کنکور دادم و قبول نشدم. سال بعدش دانشگاه علامه قبول شدم. یکباره از یک فضای مردانه سرد، وارد یک محیط متفاوت شدم. آنجا بود که شروع کردم به داستان خواندن. تا قبلش گمان می‌کردم همه چیز در روان‌شناسی است اما وقتی با ادبیات آشنا شدم، دیدم عجب دنیایی است.

۳۳ بعد دیدید برای خلق کلی ایده دارید و داستان‌های یگانه‌ای خلق کردید که هم مخاطب می‌خواند و هم داوران می‌پسندند. این‌طور شد که کلی جایزه بردید.

جوابی که واقعا برایم شیرینی اولیه را ندارد. ولی برای «جنگی بود، جنگی نبود» بنیاد شهید یک سهمیه سفر حج به من داد که خیلی لذتبخش بود. خیلی کیف کردم و اصلاً تا مدت‌ها در آن حال بودم. حال عجیبی داشتم با خودم می‌گفتم کجا رفته بودم من؟ چه جایی بود؟ و سال بعد پول قرض کردم و به حج عمره رفتم. نمی‌توانستم از آن فضا دل بکنم.

۳۴ برای رسیدن به این جایگاه ادبی چه مسیری را طی کردید؟



الهه هدایتی

نویسنده

### زیست داستانی قیصری

۱ داستان‌آشنایی من با داستان‌های مجید قیصری به سال ۱۳۸۶ برمی‌گردد که دانشجوی بودم و رمان «باغ تلو» را خواندم.

آن روزها تازه داستان‌نویسی بزرگسال را شروع کرده بودم.

باغ تلو را دوستی این‌گونه به من معرفی کرد: رمانی ضدجنگ و آوانگارد. حقیقتاً همین بود

و بعد سال‌ها دنبال این بودم هرچه ایشان می‌نویسند بخرم و بخوانم. تا این‌که ۱۰ سال بعد، اطلاعیه کارگاه

نویسندگی شهرستان ادب را دیدم که استاد قیصری مدرسه‌ش بود و تا امروز از ایشان آموخته‌ام. اما اگر تمام

این ۲۰ کتابی که از ایشان منتشر شده، بخوانید به این نکته خواهید رسید که آثار ایشان پر است از حس‌های

ناب و تجربه‌های زیسته. مجید قیصری را می‌توان نمونه خوبی از داستان‌نویس‌های ایرانی، با زیست داستانی

دانست. نویسندگی، شغل اصلی ایشان است و خارج از حوزه داستان، فعالیت دیگری ندارد. در تمام این سه دهه

نویسندگی، به صورت مداوم از او آثار جدید خوانده‌ایم و تجدید آثار ایشان را شاهد بوده‌ایم. زیست داستانی به

معنای واقعی، درگیر شدن با ادبیات داستانی امروز ایران و جهان و قلمی که دائم پخته‌تر می‌شود. زیست به دور از

حاشیه مجید قیصری در داستان‌های کوتاه او به خوبی نمایان شده و در رمان‌های او به اوج رسیده است.

مجید قیصری در سال‌های آغازین بعد از پایان جنگ تحمیلی، نوشتن داستان را براساس آنچه از جنگ زیسته

است، شروع کرد. تبلور حس انساندوستی و صلح‌طلبی در داستان «آب» از مجموعه داستان «نگهبان تاریکی» به

اوج خود رسیده است.

مجید قیصری از آن دست داستان‌نویس‌های ایرانی است که هم با اسطوره‌آشنایی دارد و هم در آثار خود از آن

بهره برده است.

### از لایه لای آثار آقا مجید

وقتی از جناب قیصری خواستم هفت عنوان از آثارش را انتخاب کرده و معرفی کند کار سخت را به عهده خودم گذاشت. این هفت کتاب حاصل همفکری من و دوستانم است. در این گلچین، حال و هوای محرم را هم دخیل کرده‌ایم.



سه کاهن / کتابستان معرفت / انتشار در سال ۱۳۹۱

نگهبان تاریکی / نشر افق / انتشار در سال ۱۳۹۸

باغ تلو / نشر کتاب کوچه / انتشار در سال ۱۳۸۵ / تجدید چاپ ۱۳۹۹

